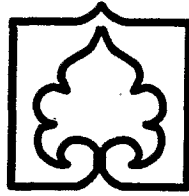


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۶ / ۱۰ / ۲

۷۰۶/۱۸



دانشگاه زنجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

عنوان:

اخلاق و پراگماتیسم در کلیله و دمنه

استاد راهنما:

دکتر حسن مددی

اساتید مشاور:

دکتر عبدالحسین سرامی

دکتر مهدی محبتی

دانشجو:

فاطمه مهربانی ممدوح

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه زنجان

۱۳۸۶ / ۱۰ / ۲

مهر ۱۶

۷۰۲۱۸

چکیده

آنچه در این رساله مورد بررسی قرار می‌گیرد اخلاق و پراگماتیسم در کلیله و دمنه است.

این پژوهش با فرضیه‌های زیر آغاز می‌شود که:

رگه‌ها و نشانه‌هایی از پراگماتیسم (عمل‌گرایی) در کلیله و دمنه وجود دارد.

آموزه‌های اخلاقی مطرح در کتاب با زبان دین توجیه می‌شوند.

تعلیمات ماکیاولی با آموزه‌های اخلاقی-سیاسی کلیله و دمنه قابل مقایسه است.

روش تحقیق در این مسأله به صورت تحلیلی-بسامدی است؛ در فصل اخلاق، فضایل و رذایل اخلاقی به طور جداگانه طبقه‌بندی می‌شوند. و در فصل پراگماتیسم در کلیله و دمنه، از شیوه تحلیل محتوایی استفاده می‌شود.

پس از آزمون این فرضیه‌ها نتایج زیر حاصل شد که:

رگه‌هایی از پراگماتیسم (عمل‌گرایی) در این اثر وجود دارد.

تعلیمات ماکیاولی با برخی از آموزه‌های اخلاقی-سیاسی کلیله و دمنه قابل مقایسه است.

جز موارد معدودی که مخالف اخلاق هستند و با آموزه‌های دینی توجیه نمی‌شوند،

تقریباً همه آموزه‌های اخلاقی با دین هماهنگ‌اند و با زبان دین توجیه می‌شوند.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، پراگماتیسم، فضایل و رذایل اخلاقی، کلیله و دمنه، ماکیاولیسم.

سپاس گزارى

نگارنده پس از سپاس بى كران از درگاه يگانه ياور مهربان از تلاش تمامى كسانى كه در اجراء اين پژوهش به نحوى سهيم بوده اند تقدير و تشكر مى نمايد.

ابتدا از زحمات استاد راهنماى ارجمند جناب آقاى دكتر مددى كه راهنمايى اين رساله را بر عهده داشتند تقدير و تشكر مى نمايد.

از استاد مشاور ارجمند جناب آقاى دكتر عبدالحسين سرامى كه از آغاز پژوهش تا انجام آن همواره از راهنمايى هاى ارزنده ايشان بهره مند گرديده نهايت تشكر و سپاس گزارى را دارد. از راهنمايى هاى استاد مشاور دوم جناب آقاى دكتر محبتى كه در معرفى برخى منابع و تعيين چارچوب كلّى دفتر حاضر، نگارنده را يارى دادند كمال تشكر را دارد.

از راهنمايى هاى ارزنده و بى شائبه جناب آقاى دكتر جاهد- از اساتيد محترم گروه فلسفه- تشكر و قدردانى مى نمايد.

از تلاش پدر و مادر بزرگوار كه با ايجاد فضاي مناسب و با كمك هاى روحى خود پشتوانه محكمى براى تحمل رنج ها و سختى هاى اين راه بوده اند تشكر ويژه مى نمايد. از تمامى اساتيد محترم گروه ادبيات كه طى اين دو سال افتخار شاگردى آنان را داشته و از محضر ايشان استفاده نموده است تقدير و تشكر مى نمايد.

از خانواده محترم جعفر بگلو كه نگارنده را هنگام مسافرت به تهران براى انجام كارهاى تحقيق يارى دادند سپاس گزارى مى نمايد.

از كمكهاى دوستان عزيز به ويژه خانم قوى دل نهايت تشكر را دارد. و در نهايت از همكارى صميمانه كارشناس محترم گروه جناب آقاى صديقيان و نيز كتابداران محترم دانشكده ادبيات جناب آقاى خداييارى، اقدام و سر كار خانم عشق تشكر مى نمايد.

تقدیم به

پشتوانه های استوار زندگی ام

پدر و مادر عزیزم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	مقدمه
فصل اول: اصول و کلیات	
۱۰.....	بخش اول: اخلاق و قلمرو آن
۱۱.....	تعریف اخلاق
۱۲.....	سرچشمه اخلاق
۱۳.....	علم اخلاق
۱۴.....	فلسفه اخلاق
۱۵.....	ارتباط علم و اخلاق
۱۵.....	علم و ذهنی بودن اخلاق
۱۶.....	علم و نسبی بودن اخلاق
۱۸.....	بخش دوم: بررسی مکاتب اخلاقی
۱۹.....	ملاک طبقه بندی مکاتب اخلاقی
۲۰.....	مکتب اخلاقی سقراط
۲۱.....	مکتب اخلاقی افلاطون
۲۳.....	مکتب اخلاقی ارسطو
۲۵.....	مکتب لذت گرایی
۲۵.....	الف-مکتب اخلاقی اریستپوس
۲۵.....	ب-مکتب اخلاقی اپیکوریسم
۲۶.....	مکتب اخلاق رواقیون
۲۸.....	مکتب اصالت نفع(سودگرایی)
۳۰.....	سودگروی عمل نگر
۳۱.....	سودگروی قاعده نگر
۳۴.....	بخش سوم: پراگماتیسم و قلمرو آن
۳۵.....	پیشینه پراگماتیسم
۳۶.....	پراگماتیسم و اصول و خطوط آن
۴۲.....	ارتباط پراگماتیسم با سایر گرایشهای فلسفی
۴۲.....	ارتباط پراگماتیسم و اخلاق
۴۴.....	پیرس

۴۵.....	ویلیام جیمز.....
۴۶.....	جیمز و اعتقاد دینی.....
۴۷.....	دیویی.....
۴۹.....	اخلاق از نظر دیویی.....
۵۱.....	ماکیاولیسم.....
۵۲.....	جایگاه ماکیاولی در اندیشه سیاسی.....

فصل دوم: اخلاق در کلیله و دمنه

۵۷.....	بخش اول: فضایل اخلاقی در کلیله و دمنه.....
۵۹.....	احتیاط(حزم).....
۶۰.....	ایثار.....
۶۱.....	بلند همتی.....
۶۲.....	پندگویی و پندپذیری.....
۶۳.....	ثبوت و پرهیز از تعجیل.....
۶۴.....	تعقل.....
۶۷.....	تفهم.....
۶۷.....	تقوا.....
۶۸.....	تواضع.....
۶۸.....	توکل.....
۶۹.....	حلم(بردباری).....
۷۰.....	خوش خویی.....
۷۱.....	رازداری.....
۷۲.....	رفق و مدارا.....
۷۳.....	سخاوت.....
۷۳.....	سکون.....
۷۳.....	شفقت.....
۷۴.....	شکر.....
۷۴.....	صبر.....
۷۴.....	صداقت.....
۷۵.....	صیانت نفس.....
۷۷.....	عبادت.....
۷۷.....	عدالت.....
۷۹.....	عفو و اغماض.....
۸۰.....	علم آموزی.....

۱۰۰	کفران نعمت
۱۰۱	کینه
۱۰۱	مکر
۱۰۲	نفاق
۱۰۲	هوا(شهوت)

۱۰۳	بخش سوم: اخلاق جوانمردی و آموزه های اخلاقی - تربیتی
۱۰۳	۱- اخلاق جوانمردی(خوی کریمانه)
۱۰۶	۲- آموزه های اخلاقی - تربیتی

فصل سوم: پراگماتیسم در کلیله و دمنه

۱۱۷	واقع گرایی
۱۱۸	۱- واقع بینی های سیاسی
۱۱۸	۱-۱ خدمت ملوک
۱۱۸	۱-۱-۱ افواید خدمت ملوک
۱۱۸	۱-۱-۲ خطرات خدمت ملوک
۱۲۲	۲-۱ دربار پادشاه
۱۲۴	۳-۱ دربار وزیر
۱۲۶	۴-۱ دربار زبردستان
۱۲۶	۴-۱-۱ گزینش زبردستان
۱۳۱	۵-۱ دربار دشمنان
۱۳۵	۶-۱ جنگ
۱۳۵	۶-۱-۱ پرهیز از جنگ در هنگام اوج قدرت
۱۳۶	۶-۲ پرهیز از جنگ پس از شکست خوردن
۱۳۶	۷-۱ پند دادن به پادشاه
۱۳۷	۲- واقع بینی های فردی- اجتماعی
۱۳۷	۲-۱ اندوختن مال و سرمایه
۱۴۰	۲-۲ رفتار با دوستان
۱۴۰	۲-۲-۱ عدم اعتماد کامل
۱۴۰	۲-۲-۲ عدم دل بستگی
۱۴۱	۲-۲-۳ محتاط بودن در هنگام شک کردن به دوستی
۱۴۱	۲-۲-۴ دوری از دوست آزرده خاطر
۱۴۱	۲-۲-۵ اعتماد نکردن بر دوستیهای مصلحتی(منفعتی)
۱۴۲	۲-۳ اقتدا یا عدم اقتدا به پیشینیان در کار و حرفه

۱۴۲	۲-۴ پندگویی.....
۱۴۳	۲-۵ نحوه رفتار در هنگام احساس خطر.....
۱۴۳	۲-۶ محرم نداشتن کسی بر رازها.....
۱۴۴	۲-۷ تحمل سختیها برای رسیدن به بزرگی.....
۱۴۴	۲-۸ دقت و احتیاط در نگاهداشت دارایی.....
۱۴۴	۲-۹ مورد حسادت واقع شدن نیکان و هنرمندان.....
۱۴۴	۲-۱۰ جبران ناپذیری تهمت و افترا.....
۱۴۶	نسبی گرایی.....
۱۵۳	مصلحت گرایی.....
۱۵۵	درباره دشمنان.....
۱۵۵	درباره زیردستان.....
۱۵۶	فاش کردن اسرار.....
۱۵۶	شنیدن سخن دادخواهان.....
۱۵۸	ابزار انگاری.....
۱۵۸	۱-۱ استفاده ابزاری از مذهب و آموزه های دینی.....
۱۶۰	۱-۲ استفاده از ابزار مکر و خدعه.....
۱۶۴	نتیجه گرایی (توجه به نتیجه و محصول امور).....
۱۶۷	مقایسه آموزه های کلیله و دمنه و شهریار.....
۱۷۴	نتیجه گیری.....
۱۷۷	یادداشت ها.....
۱۸۸	فهرست منابع و مآخذ.....

انسان موجودی اجتماعی است که زندگی وی همواره با امور و مسائل مربوط به رفتار و عمل ملازم بوده، و بایستی در هر لحظه از لحظات زندگی در برابر آنها وضع و رفتار تازه‌ای اختیار کند. آنچه این طرز رفتارها را مشخص می‌کند علم اخلاق است که این کار را به وسیله ارائه بایست‌ها و نبایست‌هایی امکان‌پذیر می‌سازد.

بنابراین زندگی آدمی از هنگام پانهادن به آستانه تمدن و زندگی در اجتماع همواره با بایدها و نبایدهایی همراه بوده است. بایدها و نبایدهایی که از بنیادهای گوناگون برخاسته‌اند، و همواره به صورت آداب و سنن، دستورها، قاعده‌ها و قانون‌هایی چگونگی زندگی آدمیان را به فرمان خود داشته‌اند.

مردم در زندگی خود با مسائل و مشکلاتی روبرو می‌شوند که رفتارهای گوناگونی در برابر آنها پیش می‌گیرند. مطابق با هر یک از این انواع رفتارها یک نظریه اخلاقی وجود دارد که آن را توجیه می‌کند.

پس منشأ پیدایش نظریه‌های اخلاقی را می‌توان در این دانست که مردم یا از زندگی شخصی خود یا از دنیایی که در آن زندگی می‌کردند ناراضی بوده‌اند. فلاسفه هر عصر نیز در باب چگونگی رفتار آدمی نظریه پردازی نمی‌کنند مگر آنکه از شیوه رفتاری که مردم در پیش گرفته‌اند ناراضی باشند؛ آنان این نظریه‌ها را به عنوان صوابدیدی برای تغییر وضعی که می‌بینند پیشنهاد می‌کنند؛ نظریه‌هایی چون نظریه شناخت و معرفت که سقراط و افلاطون برای غلبه بر جهل و نادانی حاکم بر جامعه توصیه کردند. یا نظریه کناره‌گیری از دنیا و قانع شدن به حداقل نیازهای زندگی (مکتب کلبیون)، نظریه پذیرش وضع موجود و تسلیم در برابر آن و اعتقاد به

تقدیر(مکتب رواقیون)، فرار از وضع موجود و بهره گیری از لذات دنیوی(مکتب اپیکوریان یا لذت انگاری)، و یا گرایش به سود و منفعت برای مبارزه با وضع موجود(مکتب اصالت نفع یا سودگروی) و ...

براساس آنچه در سطور پیش گفته شد می توان اخلاق را امری اجتماعی دانست که مبتنی بر طبیعت بشر، وضعیت او، و نیز اوضاع و احوال خاص اجتماعی و فرهنگی است. و با توجه به تفاوت های اعتقادی جوامع با یکدیگر و نیز شرایط اجتماعی و فرهنگی و روحیات مردم جوامع گوناگون می توان گفت که اخلاق امری نسبی است. بدان معنی که آنچه در یک فرهنگ یا جامعه درست است ممکن است در جامعه یا فرهنگ دیگر نادرست باشد.

این دیدگاه در علم اخلاق می تواند نتایجی در پی داشته باشد؛ از جمله این که در زندگی افراد راههای صحیح گوناگونی وجود دارد و تنها یک روش وجود ندارد. آنچه برای یک شخص یا فرهنگ خوب است ممکن است برای شخص یا فرهنگ دیگر خوب نباشد. و صحیح بودن این شیوه ها با به کار بردن عقل مشخص نمی شود، بلکه در جریان عمل و از طریق تجربه و آزمون مشخص می شود.

پراگماتیسم یا عمل گرایی یکی از مکاتب فلسفی غرب است که به وسیله ساندرس پیرس پایه گذاری شد. ابتدا مقصود از به کار بردن این واژه، روشی برای حل کردن و ارزشیابی مسائل عقلی بود. اما به تدریج معنای آن تغییر کرد. امروزه به نظریه ای تبدیل شده که می گوید: حقیقت چیزی است که از دیدگاه انسان، خوب باشد، یعنی این که درباره هر نظریه یا آموزه ای باید بر پایه نتایجی که از آن به دست می آید، داوری کرد. به نظر عمل گرایان اگر عقیده ای به نتیجه خوب و کارآمد برای

انسان بینجامد باید آن را حقیقی قلمداد کرد. و حقیقت چیزی جدا و مستقل از وجود انسان نیست.

در نظر این مکتب افکار و عقاید ابزارهایی برای حل مسائل و مشکلات هستند و تا زمانی که اثر مفیدی دارند درست و حقیقی اند. به این ترتیب ممکن است عقیده ای مدتی به کار آید و مؤثر واقع شود پس حقیقی است؛ اما ممکن است که در شرایطی دیگر نتایج رضایت بخش نداشته باشد و باطل و خطا شود.

بنابراین، حقیقت امری ساکن و مطلق نیست؛ بلکه با گذشت زمان توسعه و تحول می یابد. آنچه در حال حاضر درست است، ممکن است در آینده درست نباشد؛ زیرا در آینده، افکار و نظریه های دیگری بر حسب شرایط و اوضاع جدید حقیقی شده و متداول می گردند، تمام امور تابع نتایج است و بنابراین، حق امری نسبی است؛ یعنی وابسته به زمان، مکان و شرایط.

کلیله و دمنه کتابی است که اصل آن از هندوستان است و قسمت اعظم آن از دو کتاب معروف به نامهای «پنچه تنترا» و «مهباراتا» اخذ شده است.^۱

پنچه تنترا مشهورترین کتاب در هند است که سرچشمه بسیاری از حکایات عبرت آموزی است که برهمنی از براهمه هند به نام ویشنوسارمان (Vichnousarman) تألیف کرده است. هیتوپادسا یا پند نیکو گزیده ای از حکایات پنچه تنترا است که بر همین نارایانا (Narayana) آن را تألیف کرده است.^۲ این دو کتاب را هندوها در یک کتاب و ذیل عنوان Nitishastra - یعنی دستور در سیاست و اخلاق - جمع آوری کرده اند.^۳

کلیله و دمنه به تعبیر پیشینیان از نوع حکمت عملی است و به ویژه به سیاست مدن - یعنی آیین کشورداری و طرز تدبیر - توجه دارد.

این آموزه ها در شیوه فرمانروایی هم در خلال داستانها ذکر شده و هم به تصریح بیان شده اند و اصولاً برخی از حکایات برای این مقصود می آید؛ از جمله: داستان شیر و گاو، بوم و زاغ، پادشاه و فنزه، شیر و شغال، شاهزاده و یاران او. به تعبیر مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی «غور در مطالب کتاب، به جهان بینی خاصی رهنمون می شود مبنی بر خرد، دوراندیشی، داد پیشگی، تدبیر، زیرکی، چاره اندیشی و معرفت فراوان به روحیات مردم»^۴.

اما آنچه سبب ماندگاری این اثر پس از گذشت سیزده چهارده قرن از زمان شهرت آن شده است این حقیقت آشکار است که «نویسنده یا نویسندگان این کتاب را از تجربیات گرانبهای علم الحیات و علم النفس و شناخت مردم و آزمایشهای زندگی طرفی فراوان و ذخایری بی پایان در گنجینه مغز جای داشته است و از این رو نکته ای از نکات ضروری زندگانی از پیش نظرشان محو نشده و دقیقه ای از دقائق واجبات را فرو نگذاشته اند»^۵.

هر اثر معروفی دارای یک براءت استهلال است. کلیده و دمنه نیز به عنوان اثری مشهور دارای براءت استهلال است. این براءت استهلال در باب شیر و گاو- که به نوعی آغاز اصلی کتاب است- و در قالب پند و موعظه بازرگان به فرزندانش بیان شده است؛ موعظه ای که معرفت و دربردارنده تمام مطالب کتاب و آموزه های عملی آن است.

نویسنده تلاش و تکاپوی مردم دنیا را در زندگی برای رسیدن به سه هدف می داند؛ «فراخی معیشت، رفعت منزلت و رسیدن به ثواب آخرت» (ص ۵۹) و رسیدن به این اهداف را به وسیله چهار روش می داند: جمع آوری مال و سرمایه از روش پسندیده، استفاده بهینه از آن و تلاش برای نگهداری آن به بهترین صورت، انفاق به

صورتی که آسیبی به معیشت نرساند و باعث نارضایتی اهل و فرزندان نشود و ذخیره ای برای آخرت باشد، و حفظ جان از حوادث و خطرات تا حد امکان. (ص ۵۹)

بسیاری از آموزه‌هایی که در کتاب ارائه می‌شوند اخلاقی هستند و با تعالیم دینی هماهنگ‌اند، اما برخی از موارد مخالف اخلاق‌اند و در بعضی موارد با زبان دین توجیه شده و گاهی نیز، به ندرت، توجیه ناپذیرند، که این موارد بیشتر در آموزه‌های مربوط به سیاست و کشورداری دیده می‌شود. که درباره این موارد در فصل سوم سخن گفته می‌شود.

طرح موضوع

آنچه در این رساله مطرح می‌شود و موضوع رساله است، اخلاق و پراگماتیسم در کلیله و دمنه است.

گرایش پژوهش

این پژوهش از چشم‌اندازی تازه به دنبال یافتن رگه‌هایی از عمل‌گرایی در این اثر است.

فرضیه‌های این پژوهش

- رگه‌هایی از عمل‌گرایی در این اثر وجود دارد.
- آموزه‌های اخلاقی مذکور در این کتاب با زبان دین توجیه می‌شوند.
- تعلیمات ماکیاوولی با آموزه‌های سیاسی- اخلاقی این کتاب قابل مقایسه است.

روش تحقیق و مراحل اجرای آن

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کار فیش برداری مطالب کلیله و دمنه از پاییز سال ۱۳۸۵ آغاز شد. این فیش برداریها در دو مقوله اخلاق و پراگماتیسم صورت گرفت. پس از اتمام این کار، مطالعه کتابهایی

در زمینه اخلاق، مکاتب اخلاقی، پراگماتیسم به طور جدی آغاز شد و فیش برداریهایی نیز در این زمینه انجام شد.

برای یافتن برخی از منابع به کتابخانه های دانشگاههای بوعلی سینای همدان، تهران، کتابخانه ملی ایران و نیز دانشگاه امام صادق (ع) مراجعه شد.

با توجه به این که در زمینه پراگماتیسم به جز دو کتاب «پراگماتیسم» و «چهار پراگماتیست» که به فارسی ترجمه شده اند، کتابی مستقل در این باره به فارسی وجود ندارد، اطلاعات دیگر در این زمینه از طریق مطالعه کتابهای تاریخ فلسفه، فلسفه اخلاق و نیز ترجمه متون لاتین مربوط به پراگماتیسم از دایره المعارفهای فلسفه و فلسفه اخلاق جمع آوری شده است.

پس از اتمام کار فیش برداری و مطالعه، طبقه بندی مطالب و سپس نگارش و ویرایش آن آغاز شد که از اردیبهشت ۱۳۸۶ تا مرداد این کار به طول انجامید. روش تحقیق در فصل مربوط به اخلاق، بسامدی و در فصل مربوط به پراگماتیسم به صورت تحلیل محتوایی است.

سازمان دهی پژوهش

این پژوهش در یک مقدمه و سه فصل تنظیم گردیده است؛ فصل اول با عنوان اصول و کلیات مشخص شده که مطالب آن در سه بخش ارائه شده اند: بخش اول با نام اخلاق و قلمرو آن به مباحثی چون تعریف اخلاق، علم اخلاق، فلسفه اخلاق، رابطه علم و اخلاق، نسبی گرایی و ... می پردازد. در بخش دوم به معرفی روشهای تقسیم بندی مکاتب اخلاقی و چند مکتب اخلاقی مهم و بعضاً مرتبط با پراگماتیسم پرداخته می شود.

در بخش سوم به معرفی مکتب پراگماتیسم پرداخته می شود و درباره پیشینه آن، اصول و خطوط برجسته آن، و شخصیت‌های برجسته و اندیشه های آنان مطالبی ارائه می شود.

فصل دوم با عنوان اخلاق در کلیله و دمنه به بررسی اخلاق در کلیله و دمنه می پردازد؛ این فصل به سه بخش تقسیم می شود؛ در بخش اول فضایل اخلاقی مطرح در کتاب به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده و مثالها و شواهد آن ذکر می شود. و در پایان، توصیه ها و عباراتی از کلیله و دمنه زیر عنوان اخلاق نیک ارائه می شود.

نکته ای که در این جا ذکر آن لازم است این است که فضایل یا رذایل اخلاقی مطرح در کتاب به طور صریح و جداگانه ارائه نشده است، بلکه در قالب حکایات و از زبان شخصیتها و گاهی در بیان ویژگیهای آنان به این موارد اشاره شده است. نگارنده با در نظر گرفتن این نکته، مواردی را که به طور غیر مستقیم به این فضایل و رذایل اشاره دارند ذکر می کند. از جمله فضایل و رذایلی که از باب «برزویه طبیب» و «زاهد و مهمان او» ذکر می شود.

در بخش دوم رذایل اخلاقی همانند فضایل تنظیم و ارائه شده اند.

بخش سوم شامل دو قسمت می شود؛ در یک قسمت به اخلاق جوانمردی می پردازد و شواهد آن از کتاب- که به پاره ای از اصول و عقاید معتبر در میان آنان می پردازد- ارائه می شود.

در قسمت دیگر این بخش پاره ای از توصیه های اخلاقی- تربیتی ذکر می شود که ذکر آنها خالی از لطف نبوده است.

فصل سوم به بررسی پراگماتیسم در کلیله و دمنه می‌پردازد. در این فصل براساس شاخصهایی که برای این مکتب در نظر گرفته شده است، مصادیق و مستندات یافت شده از کتاب، ذیل همان شاخصها ارائه گردیده‌اند.

در پایان این فصل با توجه به شباهتهایی که میان آموزه های ماکیاولی- در کتاب معروف او شهریار- با آموزه های کلیله و دمنه و به ویژه آموزه های سیاسی به چشم می‌خورد، این موارد ذکر گردیده‌اند؛ بدین روش که این موارد با عنوانهای خاصی مشخص شده و در زیر عنوان، ابتدا شاهد مثال از کلیله و دمنه آورده شده و سپس آموزه ماکیاولی با استناد به کتاب او- شهریار- ارائه شده است.

در پایان رساله نتیجه گیری، یادداشتهای فهرست منابع و مآخذ ذکر شده است. امید است آنچه ارائه شده- علی‌رغم تلاش و دقت نگارنده خالی از کاستی نیست- بتواند رهگشای پژوهشهای آتی و گامی مفید در جهت شناساندن این میراث گرانبهای ادب منثور فارسی باشد.

و من الله‌التوفیق

فصل اول

اصول و کلیات

بخش اول: اخلاق و قلمرو آن

بخش دوم: معرفی مکاتب اخلاقی

بخش سوم: پراگماتیسم و قلمرو آن

بخش اول

اخلاق و قلمرو آن

یکی از مهمترین موضوعاتی که حکما و فلاسفه درباره آن به بحث و گفتگو پرداخته‌اند، اخلاق و فلسفه اخلاق است. با توجه به این که حکما اخلاق را شاخه‌ای از حکمت در نظر گرفته‌اند، ابتدا به طبقه بندی حکمت از دیدگاه حکما اشاره شده، سپس به تعریف اخلاق و برخی مباحث درباره آن پرداخته می‌شود. فلاسفه حکمت را به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرده‌اند:

۱- **حکمت نظری:** آگاهی از اموری است که شایسته دانستن هستند؛ لذا حکمت نظری، علم به احوال موجوداتی است که وجودشان در اختیار آدمی نیست.

۲- **حکمت عملی:** آگاهی از اموری است که سزاوار به کارگیری‌اند؛ و علم به احوال موجوداتی است که تحققشان در حیطه اختیار آدمی است.

با در نظر گرفتن تنوع مقدورات انسان، حکمت عملی را به سه شاخه تقسیم کرده‌اند:

۱- **اخلاق:** شاخه‌ای که درباره افعال فردی، بررسی سعادت یا شقاوت آدمی و راههای رسیدن به آن بحث می‌کند.

۲- **تدبیر منزل:** شاخه‌ای که درباره خانواده و ساختار آن، راههای بهبود و تکامل خانواده، و بیان حقوق هر یک از اعضا سخن می‌گوید.

۳- **سیاست مدن:** مجموعه مباحث فلسفی که درباره نظامهای کلان جامعه بشری و راههای تعالی و ترقی آن و شیوه‌های برتر تدبیر امور جامعه سخن می‌گوید.

تعریف اخلاق

معنی لغوی: «اخلاق در زبان عربی جمع «خلق» به سکون لام و «خلق» به ضمّ لام است که به معنی طبع، طبیعت و سنجیه آمده است^۱».

به گفته راجب در کتاب مفردات، خلق (به سکون لام) به معنی هیئت، شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند؛ و خلق (به ضمّ لام) به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود. بنابراین می توان اخلاق را مجموعه صفات روحی و باطنی انسان دانست. همچنین اخلاق را از طریق آثارش نیز می توان تعریف کرد: گاه فعلی که از انسان سر می زند شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که به طور مستمر از کسی سر می زند، دلیل بر این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می نامند^۲.

تعاریفی که در فرهنگها ذیل این کلمه ارائه شده عبارتند از:

«اخلاق: ج خلق؛ خوی ها، خوی های معنوی، طبیعت باطنی، سرشت درونی^۳»، «دانش بد و نیک خوی ها. یکی از سه بخش فلسفه عملیه، و آن تدبیر انسان است نفس خود را یا یک تن خاص را^۴».

ابن مسکویه خلق را حالتی نفسانی می داند که بدون نیاز به تفکر و اندیشه، انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند^۵.

خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری همین تعریف را با بیانی دیگر ارائه کرده است: «خلق ملکه ای بود نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی از او بی احتیاج به فکر و رویتی^۶».

کانت اخلاق را نوعی محدودیت در برابر امیال معرفی می کند: